

مرکز مدیریت حوزه های علمیه
خوهران

موضوع:
اصل شخصی بودن مجازات

استاد راهنما:
سرکارخانم محترم

پژوهشگر:
وحیده محمود زاده

1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

اصل شخصی کردن مجازات ها به این معنی است که مجرم به تنهایی درد و رنج مجازات را تحمل کند و بستگان و افراد مرتبط با وی تاوان عمل وی را ندهند. این تحقیق بر آنست که با شکافتن این موضوع آن را تحت عنوان یک قاعده فقهی مسلم مورد بررسی و مطالعه قرار دهد بدین منظور ابتدا به مطالعه تاریخی قاعده پرداخته خواهد شد تا دانسته شود که متأسفانه در دوران باستان جمعی بودن مسئولیت جریان داشته، بستگان و اعضای خانواده مجرم نیز در معرض مؤاخذه و مسئولیت کیفری قرار می گرفتند با ظهور ادیان الهی بویژه اسلام، اصل شخصی بودن مجازات ها پا به عرصه وجود گذاشت. در ادامه این بحث موقعیت و مفاد قاعده در حقوق امروز و فقه اسلامی بررسی خواهد شد سپس به ذکر منابع فقهی قاعده و موارد کاربرد آن در فقه اسلامی پرداخته شده و سرانجام استثناهای احتمالی این اصل جوهری مسئولیت کیفری مورد بررسی خواهد گرفت.

کلید واژه: اصل شخصی بودن، مسئولیت کیفری، قاعده وز، عاقله، ضمان

مقدمه :

منظور از اصل شخصی بودن این است که عدل و انصاف اقتضاء می کند که مجازات منحصرأً دامنگیر شخص مجرم بوده و به نزدیکان و اقوام او سرایت نکند. البته اگرچه این اصل اعمال کیفر در مورد بزهکار را مورد توجه قرار می دهد اما نباید نادیده بگیریم که اعمال مجزات مجرم نمی تواند نسبت به خانواده او بی تدثیر باشد. کسی که به زندان یا اعدام محکوم می شوند بدون شک خانواده اش دچار تشویش، نگرانی و نا امنی می شوند در این موارد مجازات به طور غیرمستقیم آنها را تحت تأثیر قرار می دهد.

در جوامع اولیه مسؤولیت فردی و اصل شخصی بودن اصلاً مطرح نبود و اگر کسی مرتکب جرمی می شد تمام اقوام و اعضای خانواده در مقابل جرمی که یک نفر انجام داده بود مسؤولیت داشتند در جاهایی که مردم به صورت قبیله ای و طایفه ای زندگی می کردند کوچکترین مسئله باعث می شد بین دو قبیله سالها جنگ و خونریزی بر پا شود و صدها و هزاران بی گناه نابود شوند. خون تنها با خون شسته و پاک می شود. این مسائل بود تا اینکه دین مبین اسلام ظهور کرد و کلام خداوند در قرآن مجید این روش زشت و نکوهیده جوامع را رد کرد و مسؤولیت فردی و اصل شخصی بودن را به وجود آورد. برای نمونه آیات سوره انعام آیه 164 «لاتزروا وازره و زر اخی» و دیگر آیات و روایات که بعداً ذکر می شود.

اصل شخصی بودن مجازات در تاریخ

در دوران باستان :

مطالعات تاریخی نشان می دهد که در قدیم الایام مسؤولیت جمعی حکمفرما بود. حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح پادشاه بابل مجموعه قوانین حمورابی را اعلام کرده که آنرا به عنوان اولین قانون مدون در جهان شناخته اند، بر روی قطعه سنگی در مرکز شهر بابل حک نمود و در معرض دید مردم قرار داد.¹ در این مجموعه احکامی به چشم می خورد که به موجب آن در برخی موارد، فرزندان مجرم به جای وی مجازات می شدند، بدین نحو که اگر معماری خانه ای می ساخت که در آن استحکام لازم رعایت نمی کرد و خانه فرو می ریخت و صاحب خانه در اثر آن کشته می شد، معمار به کیفر اعدام محکوم می شد. چنانچه فرزند خانه در اثر آن کشته می شد، فرزند معمار محکوم به مرگ می شد. نمونه دیگر اگر جراحی خسارت جسمانی به مریض وارد می آورد و فرزند شخص بزرگی به هلاکت می رسید فرزند جراح به کیفر قتل محکوم می شد. بدین ترتیب در قدیم الایام فرزندان بی گناه مجرم در معرض کیفر قرار می گرفتند.²

¹ دکتر هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی،

انتشارات مجد، چاپ پانزدهم - ص 162، سال 1388

² دکتر سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه 4 بخش

جزایی، چاپ هفدهم، ص 156، سال 1389

مورخین معتقدند که با توجه به مشابهت قوانین ایران باستان با قوانین حمورابی در ایران باستان نیز مسؤولیت از اعمال دیگران وجود داشته، اعضای خانواده مجرم نیز دارای مسؤولیت کیفری بوده اند. اگر کسی از نظر پادشاه مجرم شناخته می شد فرزندان او هم مسؤولیت پیدا می کردند نتأسفانه در قدیم الایام و در دوران باستان از اصل شخصی بودن مجازات اثری وجود نداشت.¹

در ادیان پیش از اسلام :

با ظهور ادیان الهی، بویژه دین مبین اسلام، برقراری مسؤولیت جمعی مردود و منسوخ شد. از نظر مذهب مفهوم جرم مترادف با مفهوم گناه است و همانطور که ارتکاب گناه فقط شخص گناهکار را در معرض عذاب الهی قرار می دهد، به همان ترتیب ارتکاب جرم باید فقط شخص مجرم را در معرض مجازات قرار دهد. سرایت مسؤولیت مرتکب به اقوام و بستگان او امری است برخلاف مذهب در قرآن نیز آیات بسیاری این امر را تأیید می کند.²

اصل شخصی بودن مجازات در حقوق امروز:

این قاعده یکی از پایه های اصولی و اساسی در حقوق جزای مدرن است. بر اساس این قاعده فقط مجرم، شرکا و معاونین او مسؤولیت کیفری دارند و عواقب سوء رفتار آنان متوجه خودشان است و اعضای خانواده و بستگان شان هیچ گونه مسؤولیت کیفری ندارند و نمی توان آنان را بازخواست نمود. در واقع این قاعده

¹ دکتر محسنی (مرتضی)، کلیات حقوق جزا، انتشارات دانشگاه ملی سابق، چاپ اولریال جلد اول، ص 154

² نجم / 36-38

عکس العملی بود که نسب به سنت سیئه قدیم و حکومت استبداد کبیر فرانسه ابراز شد. در آن ایام، مجازات کسی که به پادشان توهین می کرد اعدام بود و اعضای خانواده ی او هم در معرض مجازات تبعید و ضبط دارایی قرار می گرفتند. در جریان انقلاب کبیر فرانسه جمعی بودن مجازات مورد انتقاد شدید فلاسفه و حقوق دانان قرار گرفت و بالاخره در سال 1791 م. با تصویب قانون جزایی فرانسه، اصل شخصی بودن مجازات ها مورد قانون گذاری قرار گرفت و از این طریق به قوانین جزایی سایر کشورهای اروپایی راه یافت، تا اینکه به صورت یکی از پایه های اساسی مسؤولیت کیفری در جهان امروز در آمده است.¹

اصل شخصی بودن مجازات در اسلام :

دین مقدس اسلام این افراط و تفریط را به اعتدال و میانه روی باز آورد. بدین سان که از شدت و حدت احکام تورات کاست و در مقابل مجزات و استیفای حدود و حقوق، هم چنین عضو و گذشت را تأکید فرمود: « وَ جَزَآءُ سِیِّئَةٍ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَقَا وَ اَصْلَحَ فَآجْرُهُ عَلٰی اللّٰهِ اِنَّهٗ لَیُحِبُّ الظّٰلِمِیْنَ »².

«یعنی جزای هر بدی، یک بدی مانند آنست. اما هر که در گذرد و مصالحه کند پاداشش به عهده خداوند است و خدا ستمگران را دوست ندارد.»

یکی از خصایص نظام کیفری اسلام حاکمیت اصل شخصی بودن مجازات هاست. با توجه به اهمیتی که نظام اسلامی برای آزادی فردی و امنیت قضایی قائل است،

¹ قواعد فقه 4 بخش جزایی، ص 158

² شوری / 40

قبول مسؤولیت شخصی اجتناب ناپذیر است. این اصل یکی از عناصر جوهری کیفر در اسلام قلمداد می شود و دارای ریشه های قرآنی است که در مبحث منابع فقهی به ذکر قرآن خواهیم پرداخت. شایان توجه است که نظام قضایی اسلام حدود 12 قرن پیش از نظام قضایی غرب با نزول آیاتی چند از قرآن مجید از جمله آیه شریفه «ولاتزر وازره وزر اخری» (انعام، 164) این اصل مترقی را پذیرفته به آن عمل نموده است.¹

حضرت علی علیه السلام پس از ضربت خوردن بدست ابن ملجم، خطاب به امام حسن و حسین (علیها السلام) فرمود: « بدانید که نباید کس دیگری جز قاتل من کشته شود...»² این فرموده حاوی اصل شخصی بودن کیفر در اسلام است. بر اساس این اصل، جز مجرم، دیگران مسؤولیت کیفری ندارند و نباید مورد مؤاخذه قرار گیرند.

البته شخصی بودن مسؤولیت در نظام اسلامی دارای قلمرو شمول وسیعی است که علاوه بر اصل شخصی بودن مجازات ها، سایر مسؤولیت ها و تکالیف دین و اجتماعی را در بر می گیرد. بند ج ماده 19 اعلامیه ی اسلامی حقوق بشر مصوب 14 محرم 1411 قمری اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره در بیان این قاعده مقرر می دارد: «مسؤولیت در اصل شخصی است.»³

¹ قواعد فقه 4 بخش جزایی، ص 158

² محمد دشتی، نهج البلاغه، ص 287

³ دکتر رضا نوربها، حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و هشتم، ص 48 سال 1389

بدین ترتیب در جهان اسلام با اهام از آیات قرآنی و اعلامیه مزبور، استقرار و حاکمیت اصل شخصی بودن مجازات ها از اهمیت بسزایی برخوردار است.

منابع فقهی قاعده وزر

1- کتاب :

در قرآن مجید پنج بار آیه « ولاتزر وازره وازی وازی » تکرار شده و تفاوت آنها تنها در مقدمه ی جمله است:

الف : انعام (6) آیه 164

قل اغیرالله ابغی رباً و هو رب کل شیء و لاتکسب کل نفس الاعلیها و لاتزر وازره وازی وازی، بگو آیا خداوند پروردگاری جوئید و او پروردگار همه است و عمل نمی کند هیچ کس؛ مگر بر ذات خود و هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر ندارد.

مرحوم طبرسی مفسر کبیر شیعی معتقد است که آیه ی فوق در پاسخ کناری آمده که می گفتند: « اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطایاکم.¹ راه ما را پیروی کنید؛ ما گناهان شما را بر دوش خواهیم گرفت. » خداوند تبارک و تعالی در پاسخ آنها گفته است که هیچ کس بار دیگری را بر پشت نمی گیرد.²

ب) اسراء (17) آیه ی 15 :

من اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فانما یضل علیها و لاتزر وازره وازی وازی ؛ هر کس رهیاب شود همانا به سود خویش رهیاب شده است و هر کس بیراه رود همانا به زیان خویش بیراه رفته است و هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری نیست.

¹ عنکبوت، 12

² ابوعلی، طبرسی، جوامع الجامع، یک جلدی، ص 141

در این آیه هدایت و ضلالت کاملاً جنبه ی شخصی یافته است.

ج) فاطر (35) آیه ی 18 :

و لاتزر وازره وزر اخری و ان تدع مثقله الی حملها لایحمل منه شئی و لو کان ذاقرب بی فمن تزکی فانما یتزکی لنفسه؛ و هیچ کس بردارنده ای بار گناه دیگری را بر ندارد و اگر گرانباری، (دیگران را) بخواند که بارش را بردارند از آن بار براشته نشود و اگر چه (مخاطب) خویشاوند باشد.

در این آیه به این نکته که بار مجازات به دوش نزدیکان قرار نمی گیرد تصریح شده است.

د) زمر (39) آیه 7 :

ان تکفروا فان الله غنی عنکم و لایرضی لعباده الکفر و ان تشکروا یرضه لکم و لاتزر وازره وزر اخری ثم الی ربکم مرعکم فینبئکم بما کنتم تعلمون انه علیهم بذات الصدور؛ اگر کفران بورزید، بدانید که خداوند از شما بی نیاز است؛ ولی در عین حال، کفران را هم بر بندگان خویش نمی پسندد، اگر سپاس بگذارید، آن را بر شما می پسندد و هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر دوش نخواهد گرفت، سپس بازگشت تان به سوی پروردگارتان است. آن گاه شما را از (حقیقت و نتیجه) آنچه کرده اید آگاه می سازد که او دانای راز دلهاست.

ه) نجم (53) آیه 38 :

ام لم ینبأ بما فی صحف موسی و ابراهیم الذی و فی الآتزر وازره وزر اخری و ان لیس الانسان الا ما سعی و انّ سعیه سوف یری؛ آیا از آنچه در صحیفه های موسی است آگاهش نکرده اند و (صحیفه های) ابراهیم

که به (عهد خود) وفا کرد که هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر ندارد و اینکه هیچ چیز برای انسان نیست مگر آن چه کوشیده است و حاصل کوشش خود را به زودی خواهید دید.

مضمون وزر به صورتهای دیگر :

مضمون قاعده وزر به صورت های دیگر نیز در قرآن آمده است که آنها را دسته بندی می کنیم.

آیات «کسب» : (موثر، 38) (طور، 21) (احزاب، 58)

آیات «سوال» : (سبا، 25) (نحل، 39) (بقره، 134)

2- سنت

ابو داوود از ابورمته نقل می کند: "همراه پدرم به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم. پیامبر به پدرم فرمود: «این پسر توست؟» پدرم گفت: «قسم به پروردگار کعبه بلی». پیامبر فرمود: «حقیقتاً به آن شهادت می دهم.» آن گاه تبسم فرمودند از اینکه چقدر شباهت من به پدرم زیاد است و پدرم بر آن سوگند خورد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ولی بدان که او جنایت تو را بر عهده نمی گیرد و تو جنایت او را نمی توانی بر عهده بگیری» و قرائت فرمودند «و لاتزر وازره وزر اخری»¹

3- اجماع

این قاعده از مسلمات اسلامی است و همه ی فقها اعم از شیعه و سنی به آن تمسک کرده اند.

4- عقل

¹ وهبه الزحیلی، التفسیر المنیر، دارالفکر، دمشق، سوریه، الطبعة الاولى، جلد 8 ص 164 و 129، 1411 ه. ق.

قاعده ی وزر یک اصل عقلایی است؛ چرا که گذاشتن بار کسی بر دوش دیگری زشت و قبیح است و حکم عقل به قبیح آن مسلم است. در واقع، تمام دلایل دیگر به همین دلیل بر می گردد.

5- بررسی دلایل

شاید کسی بپندارد که آیات قرآنی پشتوانه اصلی قاعده را تشکیل می دهند مربوط به آخرت است و نمی توان از آنها در مورد مسایل دنیوی استفاده کرد؛ ولی فقها از آیات معنای عام استنباط کرده، آن را در مسایل مجازات ها دنیوی میز اجرا نموده اند.

نمونه های کاربردی قاعده ی وزر در فقه :

هر جا در فقه به این قاعده استناد شده، دقیقاً به متن آیه ی وزر تمسک نموده اند. در اینجا به نمونه هایی از موارد کاربرد در فقه اشاره می کنیم.

1- شافعی به آیه ی شریفه تمسک جسته، گفته است که بیع فضولی باطل است. مالکیان در جواب گفته اند که این آیه مربوط به ثواب و عقاب در آخرت است و ربطی به احکام دنیا ندارد.¹

علمای شیعی ضمن قبول اینکه آیات دارای مفهوم عام است و اختصاص به آخرت ندارد، برای آیات، کاربردی در بیع فضولی قائل نیستند؛ زیرا در بیع فضولی، در حقیقت، صاحب مال اجازه می دهد و با اجازه ی او ملل منتقل می شود.

2- یکی دیگر از موارد استثناء به قاعده وزر در مبحث قصاص است. مسأله این است که هرگاه یک ذمی،

¹ تفسیر المنیر، ص 164 و 129

مسلمانی را بکشد، مرحوم شهید اول درباره ی قصاص او در متن لمعه چنین می نویسد.

اگر ذمی مسلمانی را کشت قصاص می شود و بنا بر قولی [افزون بر قصاص] ثروت و بچه های کوچک او را که غیر مکلف هستند، به اولیای دم مسلمان تحویل می دهند و ولیّ دم می تواند آنها را به بردگی بگیرد؛ مگر آنکه قاتل مسلمان شود که در این صورت فقط به عنوان قصاص کشته می شود و مثادر، اموال و برده سازی اطفال صورت نمی گیرد.

مرحوم شهید ثانی در توضیح متن فوق می گوید که این نظریه را برخی به شیخ مفید و برخی آن را به شیخ طوسی هم نسبت داده اند.¹

3- مورد دیگر، استناد به این قاعده در کتاب جواهر الکلام است که در خصوص علت عدم اجرای مجازات تبعید در مورد زنان چنین آمده است: «شاید تبعید نشدن زن به این خاطر باشد که هرگاه محکوم به مجازات تبعید شود به ناچار بایستی به همراه محرمی از محارم خود یا با شوهرش در محل تبعید باشد؛ در حالی که هیچ کس نباید برای جرمی که دیگری انجام داده مجازات شود. محرم یا شوهر زن چه گناهی کرده است که باید به همراه او تبعید شود؟ «و لاتزر وازره و زر اخری»²

استثنای قاعده ورز :

یکی از پایه های اساسی مسؤولیت کیفری در حقوق اسلامی، اصل شخصی بودن مجازات است، بدین معنا که هر کس فقط درباره ی نتایج و عواقب اعمال و رفتار

¹ قواعد فقه 4، بخش جزایی، ص 165

² محمد حسن (صاحب جواهر) نجفی، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث، ج 41، ص 328 سال 1981

خود مسؤولیت دارد و نمی توان او را به خاطر اعمال و کردار دیگران مواخذه کرد. دانسته شد که این اصل از مسلمات اسلامی است. در اینجا به توضیح دو مساله که در فقه اسلامی به عنوان استثنا بر قاعده مطرح می شوند، یعنی وجوب دیه بر عاقله و مسؤولیت بیت المال (دولت) پرداخته خواهد شد:

1- وجوب دیه بر عاقله

مصدق بارز در این قضیه آن است که کسی گناه می کند و دیگری بار گناه او را به دوش می کشد، یعنی وزر دیگری را بر عهدهی وازره ای گذاشته اند. اگر ما وازره در قاعده وزر را به معنای اعم بگیریم، یعنی بارگناه و جرم یا بار هر عمل دیگری، به طور کلی اگر یک عملی باری دارد یا کیفر است یا ضمن (جبران) به موجب قاعده وزر هیچ کس نباید بار دیگری را به دوش بکشد اگر چنین معنا کنیم آن وقت مسأله دیه بر عاقله باید یک استثنا باشد، دیه در اصل به سبب جنایت «خطایی محض» و «شبه خطا» ثابت می شود. و «شبه خطا» جنایتی عمدی است که شباهت با خطا دارد.¹

نماد متکفل بودن عاقله نسبت به پرداخت دیه ی خطای محض یک تعهد مبتنی بر نظام قبیله ای است. هر چند اعضای قبیله به صورت صریح چنین امری را متعهد نشده اند، ولی عضویت قبیله چنین عهدی را بر آنان تحمیل نموده است. در شریعت اسلام نظایر آن را داریم. مانند قی که شارع مقدس برای فقرا و محرومین در اموال اغنیا قائل شده اس. بنابراین

¹ دکتر سید محمد صدری، تحریرالروضه فی شرح اللمعه، اندیشه های حقوقی، ص 348 سال 1389

می توان گفت که بر عهده گرفتن دیه ی جنایت خطای افراد خانواده و قبیله با قاعده ی وزر مغایرت ندارد¹، زیرا به دلیل آیه ی «و لاتزر وازره وز اخی» و ظاهر آیه ی «من قتل مومنأ خطأ فتحریر رقبه مومنہ و دیه مسلمة الی اہله الا ان یصدقوا»² در درجه اول، ذمه ی خود قاتل مشغول می شود و به موجب قرار داد قبیله ای، عاقله مکلف به بری الذمه کردن قاتل است.

2- مسؤولیت دولت (بیت المال)

در فقه اسلامی، جبران خسارت ناشی از خطای قاضی در صدور حکم بر عهده ی دولت قرار گرفته، در واقع در این مورد قاضی در ورود خسارت فاقد تقصیر است و چون مسؤولیت امر قضا بر عهده دولت اسلامی است و قاضی برای حفظ مصالح مسلمین به این شغل خطیر گمارده شده و به نام مسلمانان انجام وظیفه می کند، بنابراین ضمان خطای او در قضاوت بر عهده ی دولت اسلامی خواهد بود و این موضوع نوعی از مسؤولیت دولت است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «اگر قضات در خون و [قطع عضو] خطا کنند، باید از طریق بیت المال مسلمین (دولت) جبران شود.»³

اصل 171 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره مقرر می دارد: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد

¹ قواعد فقه 4، بخش جزایی، ص 169

² نساء / 92

³ محمدبین الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه الی مسائل الشریعی، آداب قاضی، جلد 9، ص 522

خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله ی دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده ی حیثیت می شود. در مواردی که قاتل مسلمان دارای عاقله نباشد و یا عاقله توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، مسئولیت پرداخت بر عهده ی بیت المال مسلمین قرار می گیرد. در این گونه موارد در واقع دولت به قائم مقامی از عاقله، پرداخت دیه و جبران خسارت را عهده دار می شود؛ زیرا به هر حال در جامعه اسلامی، خون مسلمان نباید هدر شود و از طرفی هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. به همین دلیل، قانونگذار در موارد 312 و 313 قانون مجازات اسلامی سال 1370، بیت المال را در موارد معنونه در موارد مذکور مسؤول پرداخت دیه دانسته است.¹

¹ منصور جهانگیر، قانون مجازات اسلامی، تهران نشر دیدار 1390، ص 98

نتیجه گیری

جامعه بشری برای رسیدن به اصل شخصی بودن مجازات، دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است و برای اجرای عدالت قیامها نموده است. با توجه به آیات قرآن کریم این نتیج بدست می آید که اصل شخصی بودن مجازاتها مورد تءید کتب اسمانی می باشد. برخی از حقوق دانان معتقدند که آیات قرآنی که پشتوانه اصلی قاعده را تشکیل می دهند مربوط به آخرت است و نمی توان از آنها در مورد مسایل دنیوی استفاده کرد ولی فقها از آیات معنای عام استنباط کرده و آن را در مسایل مجازاتهای دنیوی نیز اجرا نموده اند.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

- 1- جهانگیر، منصور، قانون مجازات اسلامی، چاپ
نود و سوم، تهران، نشر دیدار، 1390
- 2- ثامبارتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ
پانزدهم، تهران، انتشارات مجد 1388
- 3- صوری، دکتر سید محمد، تحریر و شرح کامل تحریر
الروضه فی شرح الله متون فقه، چاپ سوم،
اندیشه‌های حقوقی، 1389
- 4- محسنی، مرتضی، کلیات حقوق جزا، چاپ اول،
انتشارات دانشگاه ملی سابق، 1354
- 5- محقق داماد، دکتر سید مصطفی، قواعد فقه 4 بخش
جزایی، چاپ هفدهم تهران، نشر علوم اسلامی،
1383
- 6- نوربها، رضا، حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و
هشتم، تهران، نشر دادآفرین، 1389
- 7- الزحیلی، وهبة، التفسیر المسیر، دالفکر،
دمشق، الطعة الاولى، 1411 هـ. ق
- 8- طبرسی، ابوعلی، جوامع الجامع، یک جلدی
- 9- العاملی، محمد بن الحسن الحر، وسایل الشیعه
الی مسائل الشریعه، صب (قم)، چاپ اول، 1387
- 10- نجفی محمد حسن (صاحب جواهر)، جواهر الکلام،
بیروت، دارالحياء التراث، 1981